

آقای شیخ جلال - بنده مخالفم.

رئیس - عده برای رأی کافی نیست.
می ماند برای جلسه دیگر. آقای آقا سید یعقوب سئوالی از وزارت مالیه داشتند به وزارت مالیه هم اطلاع داده شده است.
فرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده خواستم يك سئوالی را كه كم كم در این دوره پنجم پیش آمده كه وزراء حاضر نمی شوند برای جواب تذکره بدهم.

يك مسئله بود راجع متنباه كه ی چهارم كفر بودند فردا می آیم و جواب می دهم و يك مسئله دیگر بود راجع مالیه اصفهان و صندوق مالیه اصفهان كه خاطر همه آقایان مستحضر است.

بنده ۴ روز است سئوال کرده ام. مگر هم آقای معاون در اینجا تشریف آوردند و جوابی ندادند آیا تحقیقی در این باب نکرده اند یا توجه نداشتند اینکه در واقع وزارت مالیه این مسائل را بیکجوری ملاحظه میکنند؟

این است كه تکرار میکنم سئوال خود را و استدعا میکنم يك جواب تحقیقی بدهند.

بعضی می گویند صد و شصت هزار تومان پول برده شده است. بعضی می گویند صد و نوزده هزار تومان برده شده است و مظنون این هم يك شخصی برده است كه در کابینه آقای مشیرالدوله بعد از کابینه آقای مستوفی الممالك داخل شده است. در صورتی كه فلا آقای مصدق السلطنه نوشته بودند و این شخص را خارج کرده بودند معذلك او را آورده اند در مالیه و اینكار شده است.

بنده یكنفر نماینده هستم. صد و شصت هزار تومان از مالیه اصفهان یا صد و نوزده هزار تومان از يك مالیه به این محكمی برده شود نمی توانم ساكت بمانم لافل آقای معاون يك جوابی من بدهند كه قانع شوم و ببینم چه حكایتی شده است.

معاون وزارت مالیه - سئوالاتی كه از طرف نمایندگان محترم میشود بفراموشی نمیگذرد.

در چندی قبل كه آقای آقا سید یعقوب سئوال فرمودند عرض كردم كه تحقیقات میکنم و جواب عرض میکنم و همیشه هم مترصد بوده ام كه جواب های عادی معمولی كه كفايت مقصود را نمیکند عرض کرده باشم.

سئالات نماینده محترم یکی راجع به متنباه و یکی راجع بنواقل چهارم بوده است و اگر خاطر آقا نباشد بنده بخاطر دارم.

بالاخره يك تحقیقاتی از محل شده است و منتظرم جواب صحیحی برسد و

صورت صحیح بدست بیاید بعد جواب عرض میشود.

اما در باب مسئله صندوق كه می فرمایند بلی سئوال نماینده محترم رسیده است و منظور هم این بود كه جواب هرچه زودتر داده شود منتهی جواب مستلزم این است كه تحقیقاتی بعمل بیاید تا بتوان شرح قضیه را حكایت كرد اخیراً يك برداشت هایی از صندوق مالیه اصفهان ظاهر شده است و کسانیكه مظنون بوده اند و متصدی بوده اند احضار کرده اند.

محاکماتی در مرکز تشکیل شده است بعضی از آنها آمده اند و یکی دیگر از آنها هست كه او را هم امر داده اند بفرستند و فعلاً چون مظنون هستند دولت امر داده است اموال اشخاصی كه مظنون هستند در تحت نظر باشد تا اینکه در محاکمات يك رسیدگی هایی بعمل بیاید تا معلوم شود كه قضیه بكنی وارد میشود و بر هر كه وارد میشود تاچه میزانی است تا بر طبق مقررات محاکماتی نسبت بآنها عمل شود.

مخصوصاً این مسئله را بانهایت جدیت و مراقبت وزارت مالیه مشغول است باینكه در محاکمات مراقبت كند و تقدم این مسئله را نسبت بمسائلی كه اهمیتش كمتر است بشناسد و مشغول هستیم و البته نتیجه را بطور كافی بعرض میرسانم.

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

(در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج میشدند)

رئیس - آقایان خوب است تشریف نبرند.

يك قدری تأمل بفرمایند بعد از ختم مذاكرات

حائریزاده - يك قانونی در کمیسیون عدليه گذشت كه محاكم صلاح نامحدود در مملكت تشكيل شود بعقیده بنده خیلی خوب بود ولی برای امتحانش بهتر این است كه محاكم صلاح نامحدود در نقاطی تشكيل شود كه اگر در يك اطاق يك کسی محكوم شد اوطاق بهلویش اطاق استیفاف باشد كه يك خسارت زیادی برای احقاق حق مردم تولید نشود.

در این بودجه ای كه از کمیسیون گذشته دیده شد كه دوازده محكمه ابتدائی در كرسی هایی كه محكمه استیفاف هست ما داریم.

مثلاً در تهران شش محكمه بدایت دارد اگر بجای اینها صلاح نامحدود تشكيل شود كارها سرعت جریانش بیشتر میشود و ضرری هم نخواهد داشت.

مثل اینکه در نقاط مهم مثل بوشهرو استرآباد و نقاط دور از مرکز در اینجاها صلاح نامحدود است و بدیهی است ماموریتی

كه صد و پنجاه فرسخ فاصله پیدا میکنند تا مرکز آن شكلی كه دولت باید آنها را در تحت نظر بگیرد كه موافق قانون رفتار نمایند نمیتواند.

از این جهت تقاضا كردیم بدون اینکه تفاوتی در بودجه حاصل شود در جاهائی كه استیفاف هست محاكم ابتدائی تبدیل شود بمحاكم صلاح نامحدود و آن جاهائی كه صلاح نامحدود هست و از مرکز استیفاف دور است تبدیل شود بمحكمه بدایت كه تفاوتی در بودجه پیدا نشود.

این طرح را هم عده ای از آقایان نمایندگان امضاء کرده اند تقدیم میکنم كه مراجعه شود بکمیسیون كه تا اسفند ماه بودجه را عوض كنند.

چون عمل بر این بوده كه تا بحال در مرکز بدایت داشته ایم و در اصفهان و بوشهر صلاح نامحدود داشته ایم و در سال پیش هم با دولت مذاكره شد دولت هم در این باب نظر مخالفی نداشت و وعده دادند كه در سال آتی عوض میکنیم ولی عمل نشد.

این است كه ما در این قسمت پیشنهادی کرده ایم كه از اول اسفند ماه تبدیل شوند كه اگر سال بعد هم بودجه مملكتی يك دوازدهم يك دوازدهم تصویب شد.

لااقل تشكيلات مملكتی موافق مصالح مملكت باشد.

شیروانی - بنده تقاضای فوریت می كنم.

رئیس - حالا عده برای رأی كافی نیست بكمیسیون مبتكرات ارجاع می شود جلسه آتی روز پنجشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم دستور امروز (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
سید محمد تدین
منشی - م. شهاب
منشی - ملی خطیبی

جلسه ۲۴۴

صورت مشروح مجلس
پنجشنبه دهم دی ماه هزار و سیصد و چهار مطابق
یازدهم جمادی الثانی
هزار و سیصد و چهل و چهار
مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر
بریاست آقای تدین تشكيل گردید
(صورت مجلس سه شنبه هشتم دی ماه را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج حسن آقا ملك
حاج حسن آقا ملك - عرضی ندارم
رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - قبل از دستور

رئیس - آقای مصطفوی (اجازه)

مصطفوی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم.

رئیس - آقای افسر محمد هاشم میرزا افسر - بعد از تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای ثابت ثابت - قبل از دستور

رئیس - آقای عراقی عراقی - قبل از دستور

رئیس - آقای هایم هایم - راجع بدستور عرض دارم

رئیس - آقای نظامی (اجازه)

میرزا یدالله خان نظامی - قبل از دستور

رئیس - آقای سلطانی

آقا سید محمد سلطانی - قبل از دستور

رئیس - آقای شیروانی شیروانی - قبل از دستور

رئیس - آقای آقا شیخ جلال

آقا شیخ جلال - قبل از دستور

رئیس - آقای دست قیب (اجازه)

دست قیب - در دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - بنده روز سه شنبه را بواسطه كسالتی كه داشتم اجازه خواسته بودم معذرت بنده را غائب بی اجازه نوشته اند

رئیس - مراجعه و اصلاح میشود

آقای خطیبی (اجازه)

خطیبی - بنده را دیر آمده بی اجازه نوشته اند و حال آنكه قبلاً اجازه خواسته بودم استدعا دارم اصلاح بفرمائید

رئیس - اصلاح میشود.

آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - راجع بطرحی كه در جلسه قبل تقدیم شد بعضی از آقایان تقاضای فوریتش را كردند در صورت مجلس نوشته نشده است استدعا می كنم مقرر فرمائید نوشته شود

رئیس - آقای دكتر آقايان (اجازه)

دكتر آقايان - در جلسه پریروز بنده صبح اول وقت توسط تلفون تقاضای يك ساعت مرخصی کرده بودم حالا کمیسیون تصویب نکرده است چه عرض كنم

رئیس - بعد از تصویب کمیسیون مرایض اصلاح می شود

نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

جمع از نمایندگان - دستور
رئیس - و از دستور شوم ؟
جمع از نمایندگان بلی
حاج حسن آقا ملک - خوب است آقایان
اجازه بدهند اشخاصی که اجازه خواسته اند
حرف را بزنند
رئیس - پیشنهادی است راجع به تور
قرائت میشود
(شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم دو خبر کمیسیون
متبکرات راجع بفرهنگ آزاد و فرهنگ
ناظم الاطباء جزء دستور امروز و در اول
جلسه گذارده شود.
دست غیب
رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)
دست غیب - البته آقایان سابقه دارند
که مجلس هر دقیقه
و هر ساعت میتواند دستور خودش را عوض
کند...
بعضی از نمایندگان - بله دتر
است غیب - اگر همه نفرمائید صدای
بنده را بخواند شنیده نمی آید اگر حرف نزید
و همه ننگید خواهید شنید زیرا تصور
میکند صدای بنده صدای رسائی
باشد.
بنده پیشنهاد کردم دو خبر کمیسیون
راجع بفرهنگ آزاد و فرهنگ ناظم الاطباء
جزء دستور امروز و در اول دستور باشد
چونکه راجع بزبان است و بنده فکر کردم
قدیم از عمر مجلس چیزی باقی نمانده
و سیزده چهارده جلسه بیشتر باقی
نیست.
در قضیه مسئله فردوسی بنده اینجا
این کلمه را عرض کردم و حالا باز هم
عرض میکنم.
یکی از ارکان ملت هر ملتی زبان آملت
است... ملت حتی الامکان نیاستی بگذارد
زبان از بین برود اینکه بنده پیشنهاد
کردم که دو خبر کمیسیون متبکرات
راجع بفرهنگ آزاد و فرهنگ ناظم الاطباء
جزء دستور شود و برای این بود که معلوم
شود آیا مجلس این دو خبر را قابل توجه
میداند یا نمیداند...
طباطبائی دیا - قابل توجه می -
داند.
دست غیب - بفرموده آقای دیا فرضاً
هم مجلس قابل توجه نداند یا مثل آقای
دیا اهمیت ندهند و باز آنرا جزء ارکان
ملت ندانند و رأی هم ندهند معطلی ندارد
و در ظرف پنج دقیقه تکلیفش معین میشود
چون خبر کمیسیون متبکرات است و خبر
کمیسیون متبکرات هم موضوعش اینست
که در مجلس مطرح میشود و مجلس را بقابل
توجه بودنش رای میدهد یا خیر رای نمیدهد
و این هم پنج دقیقه بیشتر معطلی ندارد و
عقیده شخصی بنده این است که جزء

دستور شود و مجلس این رأی
را بدهد
رئیس - آقای روحی
(اجازه)
روحی - بعقیده بنده مقدم بر هر چیز
فعلاً برای ما قانون ممیزی است که از
دوره چهارم تا کنون همینطور باقی است
و انصاف نیست پیش از این سابق حال باقی
بماند.
خوب است ابتدا تکلیف آنرا معین
کنند و در درجه دوم بنده هم با آقایان موافقم
که آن چیزها جزء دستور شود.
رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد
آقای دست غیب آقایان موافقت فرمایند
(عده برخاستند)
رئیس - رد شد... پیشنهاد آقای
اخگر...
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده - پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون
متبکرات راجع به مدرسه ایام ملایر جزء
دستور شود.
رئیس - آقای اخگر
اخگر - راپورت کمیسیون متبکرات
راجع به مدرسه ایام ملایر امروز منشر شده
و آقایان ملاحظه فرموده اند کار سیار
خوبی هم هست و فقط بایستی معلوم شود
که این قابل توجه هست یا نه که کمیسیون
بوده که مراجعه شود.
اینست که بنده پیشنهاد کردم جزء
دستور شود و اگر مخالفت نشود و دقیقه بیشتر
وقت لازم ندارد.
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - بعد از قانون ممیزی با تمام این
ها موافقم.
رئیس - رأی بگیریم؟
اخگر - همانند برای بعد از
ممیزی.
رئیس - راجع بخبر کمیسیون قوانین
مالیه در خصوص قانون ممیزی عده از
آقایان پیشنهاد کرده اند جزء دستور شود
آقا سید یعقوب - ضیاع شیروانی - تهرانی
سلطان - سهراب زاده - هایب - امیر حسین
بختیاری - مخالفی نیست؟
جمع از نمایندگان - خیر
رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه
بعرض مجلس میرسد
(شرح ذیل خوانده شد)
کمیسیون قوانین مالیه پیشنهادهای
واصله راجع به خدمت با اصلاح مواد (۱۴ -
۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱) و الحاق موادی
بقانون مالیات املاک از بابی و دو باب را در
جلسات عیدیه با حضور نماینده دولت تحت
شور قرار داده پس از مذاکرات طولانی
تصمیم ذیل را اتخاذ نموده و برای مزید
بر اطلاع نمایندگان محترم موادی که تا
بعال از تصویب مجلس شورای ملی گذشته

بضمیمه راپورت ذیل بعرض میرساند
اولاً راجع به مواد (۲۰ - ۱۳ - ۱۴)
پیشنهاد حذف را کمیسیون قبول نموده
موافقت خود را بعرض میرساند
ثانیاً مواد (۲۱ - ۱۹ - ۱۷) و دو ماده
الحاقیه را بشرح ذیل تنظیم نموده و تقدیم
میدارد
ثالثاً نظر باینکه سه ماده از راپورت
کمیسیون سابق نمره (۵) در مجلس شورای
ملی حذف شده و سه ماده دیگر در کمیسیون
بر حسب پیشنهاد جمعی از آقایان نمایندگان
محترم محفوظ گردیده لازم است مواد
قانون تشخیص مالیات املاک از بابی و دو باب
قبل از اتخاذ رأی در کلیات تنظیم گردد
ماده ۱۷ در موقع بروز آفت بملک با
محصول یا حیوان میری که در نتیجه آن
میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق میگیرد
معادل نصف یا بیش از نصف از میزان مشخصه
در ملک و محصول و معادل ثلث یا بیش از ثلث
از میزان مشخصه از حیوان دچار خسارت
شود و وزارت مالیه باید بنسبت خسارت وارده
از مالیات تخفیف بدهد
رئیس - ماده هفده مطرح است
آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - در ماده هفده عرضی
ندارم.
رئیس - آقای تهرانی
(اجازه)
تهرانی - موافقم
رئیس - آقای عدل
(اجازه)
عدل - موافقم
رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)
دست غیب - در این ماده هفت تصور
می کنم یک ابهامی باشد شاید هم اشتباه
کرده باشم و بعد از توضیح آقایان اشتباه
هم رفع شود می نویسد در موقع بروز آفت
بملک یا محصول یا حیوان میری در نتیجه
آن میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق
می گیرد معادل نصف یا بیش از نصف از
میزان مشخصه در ملک و محصول معادل
ثلث یا بیش از ثلث از میزان مشخصه از
حیوان دچار خسارت بشود و وزارت مالیه باید
بنسبت خسارت وارده از مالیات تخفیف
بدهد.
این بنسبت خسارت وارده از مالیات
تخفیف بدهد آیا از اصل مالیات تخفیف
بدهد یا نه.
ببیند چقدر خسارت وارده آمده و
بنسبت خسارت وارده و مالیات را ۳ قسمت
بکند و نسبت ثلث تخفیف دهد؟ اینست
که بنده خیال میکنم در اینجا یک ابهامی
است.
اگر هم ابهام نیست ممکن است
آقایان رفع اشکال بنده را بکنند.

حائری زاده مخیر کمیسیون - تصور
میکند نماینده محترم کاملاً این ماده را
مطالعه فرموده اند والا این اعتراض را
نمی کردند.
اینجامی نویسد اگر یک ملک نصف
عایدانش تنزل کرد و از حیوان ثلث تنزل
کرد وزارت مالیه تجدید نظری در آن
ناحیه بکند و نسبت بخسارتی که وارد آمده
است تخفیفی بدهد.
نمی دانم این ابهامش کجا است فارسی
و خیلی هم روشن است و بعقیده بنده و آقایان
هیچ ابهامی ندارد.
جمع از نمایندگان - امدا کرات کافی
است.
رئیس - پیشنهاد آقای عدل قرائت
میشود.
(شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم لفظ حیوان میری
در ماده ۱۷ تبدیل بلفظ محصول و حیوان
میرزا یوسفخان عدل - مقصود از حیوان
میری یک موقعی است که مرض حیوان میری
بباید ولی ممکن است یکوقت آفت بزند
بمواشی مثلاً یک جانی برق بزند و دزد ببرد
یا بشکل دیگری مواشی تلف شود این است
که باید نوشته شود در موقع بروز آفت به
محصول یا مواشی.
مخیر - قبول میکنم.
رئیس - رأی گرفته می شود بماده
هفده.
آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادی در این
زمینه کرده ام بمخیر هم نشان داده ام قبول
می کنند.
رئیس - قرائت میشود...
(مضمون ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم عوض کلمه نسبت
بخسارت وارده الی آخر نوشته شود
از مالیات آنچه خسارت وارده آمده تخفیف
میدهد.
آقا سید یعقوب - بنده هم این عبارت
را همانطور که آقای دست غیب فرمودند
مجمیع می دانم و مقصود کمیسیون از این
ماده این است خسارتی که وارد آمده
دیگر دولت از آن مالیات نگیرد.
این است که اینطور پیشنهاد کردم
که عبارت واضح باشد و با آقای مخیر هم
صحبت کردم قبول کردند.
مخیر - یکمرتبه دیگر خوانده
شود.
(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)
مخیر - بعضی از اعضا کمیسیون
موافق نیستند.
رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد
آقای آقا سید یعقوب - آقایانیکه تصویب
میکند قیام فرمایند.
(عده برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد... پیشنهاد آقای
چندر...

(شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم این جمله در ماده
۱۷ علاوه شود:
هرگاه میزان عایدی در ملک بثلث و
میزان خسارت حیوانی بنصف رسید دولت
حق گرفتن مالیات در آن سال نخواهد
داشت.
رئیس - آقای تجدد
(اجازه)
تجدد - بنده این ماده را ناقص می -
دانم زیرا اینجا ذکر شده است در موقع
بروز آفت بملک یا محصول یا حیوان میری
که در نتیجه آن میزان عایدی مالیات بر
آن تعلق می گیرد معادل نصف یا بیش
از نصف از میزان مشخصه در ملک.
بنده نمی دانم این نصف یا بیش از نصف
چه صورت دارد و اگر احیاناً کمتر از نصف
شد تکلیفش چیست؟
آیا باید باز مالیات بدهد؟ اگر
اینطور باشد که این بی انصافی است برای
اینکه وقتی مراجعه بکنید بخسارتی که
بصاحب ملکی وارد آمده و بخوانند با
وجود آن خسارات مالیات هم از او
بگیرند ممکن است ملک او از بین
برود.
ما عملاً در خیلی جاها اینقسمت را
دیدهایم که یک ملکی که یک مقدار خیلی
قلیلی عایدات داشته و دولت رفته
است یک مالیاتیهای از او گرفته است و
بالاخره در اثر این قضیه علاوه بر اینکه
آن ملک آباد نشده است ملکش هم بکلی
از بین رفته است
بنده عقیده ام این است که دولت در
املاک ممیزی کند و اگر عایدات ملکی به ثلث
عایدات اولش تنزل کرده است اصلاً مالیات
از او نگیرند و اگر بیشتر از ثلث داشت به
نسبت خسارات وارده با تخفیف بدهند و
هم چنین نسبت به حیوان اگر عایدانش
کمتر از نصف شد از او مالیات
نگیرند.
رئیس - آقای غلامحسین خان مسعود
(اجازه)
غلامحسین میرزا مسعود بنده عضو
کمیسیون نیستم
مخیر - در اطراف این ماده در کمیسیون
خیلی مذاکره شد.
یک اصلی است که اگر میشد مالیات
های ارضی را برای تشویق عمل زراعت
بکلی برداریم یک اصل خوبی بود ولی
ملکی که صد خروار جنس داشته سه خروار
مالیات میداده است حالا اگر عایدات به
ثلث رسیده آقا می فرمایند هیچ مالیات از
نگیرند برای اینکه عایدات ملک او از صد
خروار به سی و سه خروار رسیده و این
نمی شود وقتی که عایدات او به سی و سه
خروار هم برسد یک خروار مالیات از او
می گیرند و بر حسب جمله آخر همین ماده

دو خروار دیگرش را با تخفیف میدهند
ما نمی توانیم فلسفه برای اینکار تصور کنیم
که اگر عایداتش به ثلث رسیده هیچ از او
نگیرند.
البته ملکی که عایداتش کم شد باید از
همان مقدار کمی که دارد باید مالیاتش را
بپردازد.
رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه
بودن پیشنهاد آقای تجدد
آقایان موافقت قیام فرمایند.
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای کازرونی قرائت
میشود.
(باین مضمون خوانده شد)
بنده در ماده هفدهم کلمه خسارت را
بعد از آفت اضافه می کنم
کازرونی - مختصر عرض میکنم کلمه
آفت در مواد معینه استعمال می شود فرضاً
اگر سبزدگی یا ملخ خوارگی پیدا شد
این آفت است ولی اگر چنانچه دزد ببرد
برد اگر چه بحمد الله دزد نیست ولی باید در
قانون پیش بینی بشود)
آنوقت نمی توانیم بگوئیم دزد آفت
است این است که بنده پیشنهاد کردم که
کلمه خسارت که شامل سرقت هم می شود
اضافه شود
بعلاوه چون آخر ماده هم کلمه خسارت
را دارد باید از ما قبلش هم اضافه
شود.
مخیر - مجدداً پیشنهاد قرائت شود
(بشرح سابق خوانده شد)
مخیر - مانعی ندارد قبول می کنم
رئیس - پیشنهاد آقای نظامی قرائت
میشود.
(مضمون ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد می کنم از ماده ۱۷ در
عوض نصف یا بیش از نصف نوشته شود
صدی سی و سه الی آخر
نظامی - بطوریکه آقای تجدد اظهار
کردند نصف یا بیش از نصف یک مأخذ
معین نیست.
ممکن است مأمورین مالیه در بعضی
نقاط یک چیزهایی قائل شوند و یک تخفیف
هائی و در بعضی قسمت ها این ملاحظه را
نکنند پس خوب است یک مأخذ معین در قانون
پیش بینی بکنیم و بعقیده بنده صدی سی و
سه خیلی خوب است و آقایان این را هم بداندند
که وقتی یک ملکی عایداتش بنصف رسیده
آن عایدی نصف فقط بخارج زراعتی او را
تأمین میکند
این است که بنده پیشنهاد کردم بجای
نصف یا بیش از نصف نوشته شود صدی
سی و سه.
رئیس - آقای رضوی
(اجازه)
رضوی - اینکه آقا می فرمایند یک

مأخذ معینی نوشته شود خود همین نصف یا
بیش از نصف مأخذ معینی است و مخصوصاً
از این مسئله خیلی در کمیسیون مذاکره
شد و اگر بنا شود صدی سی و سه قائل
شویم این اسباب زحمت و خسارت
می شود.
زیرا هر روز اداره مالیه باید یک دسته
معین بفرستد و برای ده من یا بیست من که
کم شده ممیزی نماید و برای مؤدیان
مالیات هر چه مأمور کمتر در ملک می رود
بهتر است.
رئیس - آقای مخیر چه می فرمایند؟
مخیر - قبول نمی شود
نظامی - چون آقای رضوی توضیح
داده اند مسترد میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی قرائت
میشود.
(بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم خسارت از ماده
هفده حذف شود.
شیروانی - والله!! بنده مخیر باین
سهی البیخی خیلی کم دیده بودم... بالاخره
این قانون همان شیر بی دو سر و اشکم
میشود زیرا اگر از هر گوشه اش هی
بزنند دیگر قانونی باقی نخواهد
ماند؟؟
ملاحظه فرمائید... آفت یک چیزی
است و یک لفظ جامع و عامی است برای
خسارتی که وارد میشود به محصول و
گوسفند اما اگر بخوانند سوء استفاده
بکنند یک خسارت هم بپلویش میگزارند
و بعنوان خسارت در آتیه دولت دیگر نمیتواند
مالیات بگیرد.
ملاحظه فرمائید وقتی کس خوارگی
میشود در ورامین یک نفر ممیز می رود و
می بیند که آنجا سن آمده و حاصلش را
خورده تخفیفی میدهد.
ولی اگر بنا شود خسارت را هم علاوه
کنیم ممکن است در فلان ده یک نفر
بگوید که مثلاً اردو آمده و از اینجا رد
شده و درمن جو از من برده باینجهت
من مالیات نمیدهم و این اسباب زحمت دولت
میشود باین جهت بنده پیشنهاد حذف آنرا
میکند.
رئیس - آقای رضوی
(اجازه)
رضوی - عرض میکنم آفت عبارتست
از سن خوارگی و ملخ خوارگی و
امثال اینها ولی ملاحظه فرمائید یکوقت
یک خرمنی آتش می گیرد یا سیل خرمن
را میبرد.
اینهارا نمیشود جزو آفت خسارت
کرد و لازم است کلمه خسارت نوشته
شود و البته صرف ادعا را هم که نمیشود
مدرك قرارداد و تا بکنفر مدعی شد که
خسارت وارد شد... باو تخفیف نمیدهند
البته دولت تعقیب میکند و واقعا اگر خرمنی

سوخته یا سیل برده آنوقت تخفیف میدهند
نه صرف ادعا.
رئیس - بعقیده کمیسیون چیست؟
مخیر - جواب آقای شیروانی
گفته شد... بدیهی است وقتی که خرمن
کسی آتش گرفت و خسارت وارد شد دولت
نباید مالیات بگیرد.
شیروانی - بنده تقاضای تجزیه
میکند.
رئیس - رأی میکنیم.
مخیر - اجازه میفرمائید... این کلمه
مواشی هم تبدیل بحیوان شود.
رئیس - در حقیقت اینطور میشود در
موقع بروز آفت با خسارت بملک یا محصول
یا حیوان و (میری) حذف نمیشود... دفعه
اول رأی میکنیم بماده ۱۷ با حذف
کلمه (میری) بدون کلمه خسارت مجدداً
قرائت میشود.
(شرح ذیل خوانده شد)
در موقع بروز آفت بملک یا محصول
یا حیوانی که در نتیجه آن میزان عایدی
که مالیات بر آن تعلق میگیرد معادل نصف
یا بیش از نصف از میزان مشخصه در
ملک و محصول و معادل ثلث یا بیش از ثلث از میزان
مشخصه از حیوان دچار خسارت بشود و وزارت مالیه
باید بنسبت خسارت وارده از مالیات تخفیف
بدهد.
رئیس - رأی گرفته میشود همینطور
که قرائت شد.
آقایانی که موافقت فرمایند...
(اغلب ایام نمودند)
رئیس - تصویب شد... ماده ۱۹ قرائت
میشود.
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده ۱۹ - پس از ممیزی مطابق
این قانون در هر نقطه کلیه مالیات های
مستقیم ارضی و آبی و حیوانی و سرانه و
خانوار و وادارانه نقدی و جنسی که عمال
دولت از املاک و اشخاص و حیوانات دریافت
میکردند اند خواه بعنوان مالیات خواه به
عنوان عوارض خدمات و به تصدیق و غیره
بهراسم و رسم منسوخ و بجای آن ها مالیات
های مصرحه در این قانون دریافت خواهد
شد.
تبصره - بعنوان حق المرتع از مراتع
عمومی و غیر از مراتع خالصه دولت که در
دفتر رقبات ثبت است مالیات اخذ نخواهد
شد.
رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)
کازرونی - بنده اساساً باین ماده
موافقم... لیکن یک کلمه را لازم می دانم
اضافه شود آنجا بگوید و سرانه و خانوار
و وادارانه نقدی و جنسی باید لفظ (و غیره هم)
اضافه شود چرا؟
دلیلش را سابقاً عرض کرده ام
مالیاتهای که در دهات از مردم گرفته میشود
منحصر و محدود باین روسته قفره که اینجا

ذکر شده نیست يك اسامی مختلفه دارد كه تمام آنها امكان ندارد و پس از آنكه كلمه (وغیره) یا (بهراسه و رسم) نوشته شود شامل تمام اینها میشود و بنده میدانم هم مقصود دولت و هم نظر اعضاء محترم كمسیون از این ماده و از این قانون اینست كه مردم از نادیه هر گونه مالیاتی خارج از اینها كه در این قانون معین و نوشته شده معاف باشند.

حالا كه اینطور است بنده عرض می كنم این عبارت کافی نیست . زیرا فقط شامل این دوسه فقره كه ذكر شد می شود و مثلا شامل مالیات های دیگر از قبیل مالیات سر تراش و طعام خوری و غیره نمی شود.

بعلاوه در تبصره يك عبارتی نوشته شده كه فوق العاده برای مردم اسباب زحمت میشود.

در اینجا حكیم میکند به يك حكم عجیب و غریبی و میگوید هر چیزی كه در دفتر رقبات ثبت شده است خالصه دولت است . این دفتر چیز غریبی است . تشریف ببرید بمالیه و ملاحظه کنید اصل اینست كه مالك را مال دولت دانسته و میگوید هر کسی ادعای ملكی می كند باید سند ارائه بدهد و ثابت كند و حال آنكه این غلط است اصل ملك مال مردم است و مردم دولت را تشكیل میدهند برای اداره كردن امور خودشان اگر اینطور باشد ملاحظه كنید.

فرضا فلان خانه ملك اجدادی منست و چندین سال است كه در ید من است می گویم این ملك در تصرف من است و بدأ بد من رسیده می گوید خبر بوجوب دفتر رقبه مال دولت است ؟ چیز غریبی است ؟ این دیگر كه بستم تازه پیدا شده آنوقت تمام املاك مردم را میگیرند فقط بعنوان اینکه در دفتر رقبه ثبت است . خوب است اینجمله را حذف كنید والا مردم چهار هزار گونه مشكلات خواهند شد و همین عبارت خالصه دولت کافی است .

معاون وزارت مالیه - البته نظر مجلس باین قبیل مسائل هر چه باشد بنده عرضی ندارم لیكن بنده ناچارم كه از آن اداره و وزارت خانه كه مدرک درست دارد و برای حفظ حق دولت یعنی حق ملك و حق کلیه و قاطبه مردمی كه در این ملك زنده گانی می كنند كار می كنند دفاع كنم ؟

دفتر رقبات يك چیزی نیست كه اخیرا دولت از يك كارخانه بیرون آورده و روی میز گذاشته است بلكه دفتر رقبات عبارت است از اساس آنچه كه متعلق بدولت است و باید اورا نگاهدارد.

درازمه گذشته و قرون اخیر حتی تا

چند سال قبل از خودمان بواسطه يك سهل انگاری ها و عدم مواظبت هائی كه از طرف دولت ها شده است يك مقدار زیادی از املاك دولت را مردم من غیر حق تصرف کرده اند .

حالا در يك مواردی اگر اتفاق بیفتد كه من غیر حق دولت اظهار بكنم و طرف بواسطه اسناد و مدارك حق خودش ثابت كند و مدلل سازد كه فلان ملك خالصه نیست و شخصی است و حقیقتا ذی حق باشد .

این دلیل برای این نیست كه در تمام نقاط ملكت این مسئله كلیه دارد .

البته دولت هر جا كه ببیند ملكش را برده اند باید بموجب اسنادی كه دارد از آن ها پس بگیرد . البته بنده موافق نیستم كه دولت اجحاف و تعدی كند و چشم طمع بمال مردم داشته باشد و مقصود هم گرفتن مال مردم نیست .

منظور این است ملك دولت پیش هر كه هست مسترد شود خوبست مطالب را در حدود معتدل خودش قرارداد كه از حد اعتدال خارج نشود و بدوجه مبالغه نباید رفت .

گاهی همچو خیال میشود كه دولت عبارتست از يك اداره ظلم و جور و ستم و اعتساف . در صورتی كه هیچ نیست و اگر بخوایم در حد اعتدال خارج شویم و طرف دیگر قضیه را بگیریم ممكن است حق دولت پایمال شود.

پس مطالب را وقتی كه در حدود خودش حل كردیم و نگاه داشتیم آنوقت حق هر كس در جای خودش محفوظ خواهد ماند .

بنده در مسئله دفتر رقبه كه آقا تعجب میکنند خیال میکنند اكثر آقایان كه طرف مذاكره با ادارات مالیه بوده اند بخوبی مسوق و مستحضرنند كه دفتر عبارت از چیست حالا اگر اینكه رقبه برای آقا و خجلی و حشت انگیز است آن چیز دیگری است .

ولی عمل دولت در استرداد املاك خودش كه خالصه است بر روی دفتر رقبه بوده است و دولت برای اینکه بخواند املاك خالصه خودش را پس بگیرد هیچ سند و مدرک دیگری غیر از این دفتر ندارد و بموجب این دفتر باید مطالبه حق خودش را بکند.

رئیس - آقای عدل موافقید ؟

عدل - بلی . میخوامم جواب آقای كازرونی را عرض كنم

رئیس - جواب داده شد

آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

شیروانی - ر اینجا مطالب قدری

مغشوط میشود . يك وقت میخوایم با سند و مدرک رقبه و قوانینيكه از سابق بوده سندیت بدهیم .

این همان نكته ای است كه آقای تقی زاده در اینجا پیرویز فرمودند . ما مخالفیم كه در يك زمانی يك فرمان یا يك سند و كفاذی كه يك گوشه بوده امروزه اورا مأخذ قانون گذاری قرار دهیم

هیچ ممكن نیست كه ما همچو رجعت عجیبی بكنیم و برگردیم بوضعیت پنجاه سال قبل و آن قوانین و اورا قی را كه بنده و آقایان هم میدانیم بچه ترتیب و کیفیت داده شد مأخذ قانون گذاری قرار دهیم .

يك شخصيكه در يك روزی يك اراده کرده (حالا آن اراده غلط بوده یا صحیح بنده كار ندارم) ما حالا بیاییم و آنرا مدرک قانونی قرار دهیم .

این بعیده بنده خوب نیست و این عمل جدیدی نیست كه ما حالا می خوایم بكنیم همانطور كه در ادارات كمیسیون می كنند برای اینکه در يك قضیه را حلالی پیدا كنند ما هم راه حل پیدا كنیم و نظرا در تعدیل مالیات و وضع قانون ممیزی این نیست ما میخوایم تمام آن دفاتر را بدهیم ببینند يك رقبه جدیدی ایجاد كنیم در این صورت دیگر نباید به آن دفاتر و كاغذهای سابق مراجعه كنیم و آنهارا مدرک قرار دهیم

بنابر این بنده هم از نقطه نظر مردم و هم برای صرفه دولت و ملكت این تبصره را مضرمیدانم بنده البته مثل آقای كازرونی نیستم كه ما بین دولت و مردم فرق بگذارم و هم را یکی می دانم و دولت را هم نماینده ملت می دانم ولی از نقطه نظر عمل بنده این تبصره را هم برای دولت و هم برای مردم مضرمیدانم .

دیگر اینکه دولت در اینجا دوسه قسم مرتع قائل شده یکی مرتع ملكی خود دولت و یکی مرتع ملكت و آنرا هم مال خودش دانسته و یکی هم مرتع اشخاص .

در صورتیكه اینطور نیست و بنظر بنده مرتع از دو صورت خارج نیست یا مال دولت است یا مال مردم .

آن مراتبكه مال مردم و ملك شخصی است از وظیفه ما خارج است كه دخل و تصرفی در آن بكنیم . ملاحظه بفرمائید در اطراف املاك مردم در كودها و صغار يك مراتبی است كه محل عبور و مرور ایلات است این ملك مردم است و خرید و فروش میشود .

ما اهل این ملكیتیم و همه این چیز ها را می دانیم این قسم مرتع مال مردم است دولت باید يك مالیاتی در مواشی كه برای چربیدن در آنجاها میروند بگیرد ولی يك وقتی غیر از اینست و مرتع مال دولت است اعم از اینکه بدو مال کسی بوده و بعد باقی شده و دولت آنرا ضبط کرده و حالا خالصه شده است یا اینکه اصلا خالصه و مال دولت بود .

در هر حال بعیده بنده دولت مكلف است كه این صغار و براری را ران نگاهدارد و در عوض از كوسفندان مردم كه در این مراتع و صغار میچرند و آنها را حفظ می كند يك حق بگیرد و مردم هم البته يك حق بدولت خواهند داد .

مثلا ما آباديك دهی است در اصفهان كه اهالی آن كوسفند دارند و در زمستان میروند نزد يك بیابانك و قشلاقشان در آنجا است و در مراتع آنجا كوسفند ها شانرا میچرانند و بیابانشان در فرزندست كه نقطه است در جنوب غربی اصفهان . و در آنجا كوسفند های خود را میچرانند .

بطوريكه در این تبصره نوشته شده این بدینجهت است . باید مالیات بدهند هم در شلاق هم در بلاق و هم در خالصه دولت و حال آنكه اساسا ما يك مالیات برای مواشی قائل شده ایم . و دولت بهیچ عنوان از هیچكسی حق ندارد مالیات مراتع بگیرد و مالیات مراتع عبارتست از مالیات مواشی كه در مراتع چرایم كنند و باید يك حق هم بدولت بدهند و بنده تصور می كنم دجا مشكلات خواهد شد .

از اینجا بنده پیشنهاد حذف این تبصره را كردم و لازم نیست عبارت بنده الهالین اصلاح شود بلكه تبصره باید حذف شود دیگر اینکه در سطر اول این ماده خواستم از آقای مخبر سؤال كنم كه ایشان توضیح بدهند مقصود این است كه پس از ممیزی در هر نقطه مطابق این قانون کلیه مالیاتهای مستقیم ارضی و آبی موقوف میشود

یا مقصود اینست كه پس از آنكه در تمام ملكت ممیزی تمام شد آنوقت مالیاتها موقوف خواهد شد ؟

اگر مقصود در هر نقطه ای است كه ممیزی شده بنظر بنده جمله ناقص است و باید اینطور نوشته شود

پس از آنكه ممیزی در هر نقطه مطابق قانون تمام شد فرض اینست جمله (در هر نقطه) باید قبل از مطابق این قانون نوشته شود .

مخبر - بنده كار ندارم كه دولت كیست و وظیفه او چیست دولت چیز تازه نیست و ملكت هم مال همه مردم است . منتی هر كدام يك نقطه از ملكت را مخصوص خودشان کرده و آنجا را ملك شخصی خود گردانند

ولی آنجاها را كه مردم تصرف نكرده اند دولت در دست گرفته برای اینکه آنجاها را حفاظت و نگاهداری و آباد كنند .

دولت ما در این مسئله دو جنبه است یعنی هم جنبه عمومی دارد و هم جنبه خصوصی یعنی چون دولت املاك خصوصی دارد و باقی شده و دولت آنرا ضبط کرده و حالا خالصه شده است یا اینکه اصلا خالصه و مال دولت بود .

اداره میکند از اینجهت جنبه خصوصی دارد .

يك جنبه عمومی هم دارد كه مراتع كود و شت و بیابانها را باید حفاظت كنند تا مواشی مردم بدون صدمه بتوانند در آنجا ها چرا كنند .

مالیاتها كه در ماده اول ماذكر کرده ایم اگر آقایان با ماده مراجع فرمایند می نویسند :

جنبه و مرتع از عایدات مطلق الكانه صدهد و منظور كه مالكیت اشخاص را نسبت باملاك و مراتع آنها قائل شده ایم و منظور هم مالكیت دولت را باید نسبت بمراتع و املاك خودش قائل شویم باین معنی كه در هر جا كه دولت مرتع دارد باید عوائد آنجا را بعنوان عایدات مراتع خالصه بگیرد و جمع آوری كند .

نسبت بمراتع عمومی كه در دولت جنبه مالكیت شخصی ندارد ولی چون دولت باید آنها را حفاظت كند از اینجهت باید بعنوان مالیات يك حق بگیرد نهایت در مراتع خالصه دولت حق اجازه و استجاره و هر گونه دخالت را دارد و در املاك و مراتع عمومی این حق را ندارد و فقط يك حق میگیرد .

مادام كه ما خالصه داشتن را برای دولت قائلیم نمیتو نیم این حق را از او سلب كنیم همانطور كه در املاك خالصه دولت عایدات كنند و جورا جمع آوری می كنند عایدات مراتع آنرا هم می توانند جمع آوری كند و البته وقتی كوسفند بنده و وجناب عالی میروند در مراتع خصوصی دولت استفاده میکنند باید يك حق بدولت داده شود .

چنانچه ملك بنده اگر مرتع داشته باشد و كوسفند شما بیاید و در آنجا بخواهد چرا كند تا بنده يك حق نمی گیرم نمی گذارم كه كوسفند شما در آن چرا كند دولت هم این حق را كه می گیرد بعنوان املاك و مراتع شخصی است نه بعنوان مالیات عمومی اما شرحی راجع به دفتر رقبات فرمودند . ما در این جا دفتر رقبات را تصدیق نمی كنیم . . .

يك نفر از نمایندگان - تصدیق می كنم .

مخبر - خیر اینطور نیست . تصدیق نمیكنیم . اگر ما می نوشتیم دفتر يكه از روی تقلب است یا جعلی است آنوقت اینطور كه میفرمایند بود ولی ما قدر صحت را مدرک میدانیم نه دفتر تقلبی را و ما بدفاتر صحیح رای می دهیم نه به دفاتر جعلی و تقلبی .

املا كيكه در تصرف دولت است و در دفتر رقبات هم ثبت شده این املاك را ملك دولت می دانیم نه يك املا كيكه ثبت دفتر دولت نباشد یا اینکه در تصرف دولت نباشد و همچنین اگر يك املا كی باشد كه در تصرف

دولت باشد و در دفتر او هم ثبت باشد اما بموجب اسناد مال دیگران باشد ما آن املاك را هم ملك دولت نمیشناسیم و همچنین ملكی كه در دفتر دولت فرضا ثبت بوده ولی از پنجاه سال ، از صد سال این طرف در تصرف دولت نبوده است این املاك را هم مال دولت نمیدانیم زیرا ممكن است فروخته باشد و حالا سندش گم شده باشد یا بواسطه حلل دیگر از ید دولت خارج شده باشد .

بهر حال اسنادی رسمیت میدهد كه در دفتر دولت ثبت شده باشد یا هم عمل شده باشد . حالا آن اسناد باقراین است یا امتیازات هر چه هست ما این قبیل مدارك و دفاتر را بر رسمیت میشناسیم و الا كلمه رقبات حجت ندارد .

جمعی از نمایندگان - مذاكرات کافی است .

دست غیب - کافی نیست . اگر اجازه بفرمائید عرض می كنیم چرا کافی نیست رئیس - بفرمائید .

دست غیب - این يك مسئله مبتلی بهی است كه اغلب آقایان اهمیت اورا بی برده اند و لذا این همه پیشنهاد شده اساسا بنده معتقد نیستم كه در يك قانون باین مهمی همینقدر كه دو نفر حرف زدند گفته شود مذاكرات كافیت اگر بنا شود دو نفر صحبت كنند و بعد آقایان بگویند مذاكرات كافیتست این برخلاف فلسفه مجلس شورا است . اگر این طور بود ممكن بود در كمیسیون تصویب كنند پس دیگر بمجلس چرا می آورند .

آقای حائری زاده و همچنین آقای معاون يك فرمایشی فرمودند كه باید جواب داده شود و اگر جواب داده نشود آنوقت يك سندی بدست دولت داده می شود كه بعنوان دفتر رقبات در املاك مردم دخالت كند . از این جهت خوب است تمام حرفها رد شود .

رئیس - رای می گیریم بصفایت مذاكرات .

آقایانی كه كفا می دانند قیام فرمایند .

(معدودی قیام كردند)

رئیس - مذاكرات کافی نیست آقای تهرانی .

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی تهرانی - بنده بیانات آقای حائری زاده را قایل توجه میدانم باینكه دولت مثل مردم جنبه خصوصی دارد . لیكن عیبی كه پیدا کرده همان عبارت در دفتر رقبات ثبت است . قانون ثبت اسناد از این مجلس گذشت .

موافق قانون دوره دوم مردم می آمدند و املاك خودشان را ثبت میکردند پس از اینکه به آن ترتیب املاك را در آورده ثبت اسناد ثبت میکردند باز وقتی كه میخواستند بروند تصرف كنند

ده تا شخص ثالث پیدا میشد كه می آمدند و اقامه دعوی بر آن املاك میکردند . این دفتر رقباتی كه معلوم نیست يك نفر دراز نویس قدیم یا كرد نویس جدید يك چیزی را ثبت کرده همینكه يك چیزی در این دفتر ثبت شد بمنزله وحی منزل است و بالاتر از ثبت اسناد می شود .

از يك طرف اداره ثبت اسناد را در ملكت درست میکنند آنوقت در مقابل اداره ثبت اسناد دولت دفتر رقبات درست میکند و اثر وضعی براو مترتب می كند و او را جزء اسناد رسمی حساب می كند .

در حالتی كه يك نفر فاسق یا مجهول الحال یا خیر يك شخص خوبی نوشته كه این خانه محدود بفلان حدود و فلان حدود مال دولتست . دولت این را باید سند قرار دهد و قوری بر له خودش حكیم بدهد ؟

عیب مالیه این است كه هم مدعی است و هم قاضی و هم مجری وقتی كه ملكت قانونی شد . عدلیه يك سمت است .

مجلس يك سمت و سایر ادارات دولتی هم يك سمت .

هر وقت دولت بعنوان وزارت مالیه خواست در يك موضوعی اقامه دعوائی بر کسی بكنند كه مثلا فلان ملك . ملك خالصه است باید مثل سایر مردم عرض حال بعدلیه بدهد و در آنجا محاکمه كند .

در این مورد دولت هم باید مثل سایر مردم در عدلیه دعوی خود را ثابت كند كه فلان ملك مال دولتست آنوقت او را ضبط كند .

بدینجهت این اصل در وزارت مالیه عمل نشده و هر وقت كه میخواید يك ملكی را خالصه كند و آنجا را تصرف نماید قوری توسر طرف میزند و باو میگوید برو بمحاکمات مالیه كه محاکمات قضائی نیست . محاکمات اداری است و دولت هر ادعائی كه كسی دارد باید شخصیت بخود بدهد و مثل تمام مردم چنانكه عرض كردم باید بعدلیه برود و در آنجا اقامه دعوی كند و الا با این کیفیت فعلی ممكنست باقلم يك دراز نویس تمام املاك ایران بعنوان خالصه بتصرف دولت در آید و دولت همه را ضبط كند .

معاون وزارت مالیه - بنده خیلی بهتر میدانستم و ترجیح میدادم كه برای اینکه وقت مجلس ضایع نشده باشد نسبت باین مطالب كه جزئیات خیلی دقیقی دارد توجهات بیشتری میشد و مخصوصا اوراق و نوشتجانی كه مربوط باین مطالب بود ملاحظه می شد تا بتوان

تصدیق یا تكذیب نمود یا اینکه در كمیسیون خاصی یا در كمیسیون مربوطه باین امر مذاكراتی میشد و مطالب خلاصه میشد و بعد میآمد بمجلس

ولی چون باین ترتیب عمل نشده است باید در این جا بدكر جزئیات پرداخت و در نتیجه وقت مجلس تلف خواهد شد .

قبلا عرض كردم كه بر حسب دفاع از اداره یا وزارت خانه كه متصدی این كار است مجبورم دفاع كنم ولی حالا ناچارم كه يك قدری هم دفاع بكنم از صاحبان املاك یعنی اشخاصی كه فرمان در دستشان است و بموجب آن فرمان يك مقداری از املاك را مالك هستند و ثبت آن فرامین هم عبارتست از همین دفتر رقباتی كه ما صحبت میکنیم .

اگر مادر يك طرف قضیه بخوایم برای تحكیم و تثبیتش دقت كنیم ممكنست اسباب تزلزل و زحمت برای طرف دیگر قضیه بشود .

بنده گمان می كنم كه نسبت بمسئله فرامین و ثبت و رقبه و این قبیل چیزها اگر آقایان میل داشته باشند بانام ضرورتی كه تصویب این قانون --- برای مجلس و مملكت و وزارت مالیه خصوصا دارد این سن قانون بمسئله ممكن است آقایان لطف بفرمایند و این مسئله دفتر رقبات و فرامین را يك وقتی از نزدیک بفرمایند ببینند چیست و آن وقت در حدود آنچه كه ملاحظه شد در مجلس صحبت و مذاكره بفرمایند و باین مناسبت است كه بنده قید مسئله دفتر رقبه را برای حفظ حق مملكت و مردم و برای رسیدن دولت بحق خودش هم لازم میدانم .

اما مسائلی را كه آقای طهرانی میفرمایند راجع باینكه وزارت مالیه در مرافعات رسیدگی می كند و در مسائل مابه الاختلاف مالیه دخالت می كند و بالاخره میفرمایند كه وزارت مالیه هم قاضی شده است هم حكام و هم مجری .

عرض میکنم این يك مسئله ایست كه گمان میکنم وزارت مالیه نهایت میل را داشته است و دارد . و همه روز هم در صدد است كه بلكه يك موقعی بدست بیاورد كه يك همچو چیزی را از خودش منتزع نماید تا اینکه راحت بشود منتی چیزی كه هست در كمیسیونهای مجلس و در هیئت های دولت نسبت بموارد معینه كه بعضی اوقات مذاكره میشد و بعد از مذاكرات معاون وزارت مالیه - بنده خیلی بهتر میدانستم و ترجیح میدادم كه برای اینکه وقت مجلس ضایع نشده باشد نسبت باین مطالب كه جزئیات خیلی دقیقی دارد توجهات بیشتری میشد و مخصوصا اوراق و نوشتجانی كه مربوط باین مطالب بود ملاحظه می شد تا بتوان

خاصه در امر خالده تا زمانی كه كلیه اسناد و ترتیبات نسبت بخالصجات و املاك و مدارك

این قبیل چیزها که در دست دولت پاهر کس هست يك صورت حسابی پیدا کرده و البته دولت ایران هم نباید مغالطه با اصولی که در سایر نقاط دنیا معمول است باشد بلکه باید تمام مطالب قضائی ارجاع شود بقوه قضائیه و در آنجا این نوع مطالب اصلاح و رسیدگی شود.

لیکن برای اینکه صرفه مردم و دولت منظور شده باشد اینطور صلاح دانسته شد که در مکاتبات مالی این امور اصلاح شود و الامالیه و خواسته است که یک قسم امری را برای خودش احتکار کرده باشد.

حالا نمیکنیم اگر آقایان میل دارند، که نسبت بمشکله رقبه مذاکره نشان را ادامه بدهند باز هم تذکر میدهم که چقدر خوب است از نزدیک دقت کاملی نسبت بثبت ورقه و فرامین بفرمایند بعدا اگر مقتضی شد مذاکره بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی و آقای میرزائی.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه و غیره باید از نقدی و جنسی اضافه شود.

یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم کلمه و غیره در ماده ۹ اضافه شود.

میرزائی

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - باتوضیحاتی که آقای کازرونی دادند دیگر لازم نیست بنده توضیح زیادی برای لزوم قید این کلمه بدهم.

خیلی از مالیه ها هست که بنظر بنده متعلق باملاك و اراضی است که میبایست ملغی شود.

من جمله مالیات میرابی است که در بعضی از مالیات میگیرند و بالاخره باید در اینجا این مالیات ها یا اسمش ذکر شود یا کلمه باشد که دال بر حذف این قبیل مالیات ها باشد و اگر ما کلمه و غیره را اضافه نکنیم مقصودی که از اینداد داریم بعمل نخواهد آمد.

یگنفر از نمایندگان - بعد از تصدیق قید شده.

یاسائی - کلمه و غیره بعد از تصدیق قید می شود.

اینها هم مالیات ملک و حیوانی دیگر چه مالیاتی گرفته می شود اینها تمام مالیات هائی که گرفته میشود اسم برد و مخصوصاً يك کلمه و (غیر) و (بهر اسم و رسم) همه برای تأمین این قسمت ها اضافه کرده است.

هر کدام از آقایان نمایندگان در قسمت محلی خودشان مبتنی بیک نوع مالیات هستند که میل دارند اسم آن در اینجا ذکر شود و این هم که ممکن نیست ولی این کلمه بهر اسم و رسم شامل تمام این قسمت ها می شود و کافیست و استدعا می کنم بگذارید باین ماده رأی بکشید و این قانون تمام شود.

زاهدی - توضیح بنده را درست آقا توجه نفرمودند.

رئیس - بایستید صحبت بفرمایند.

باضافه توضیح من می توانم بدهم جز اینکه

دارد و شامل عموم اینها می شود.

نویسید:

(خواه بعنوان مالیات خواه بعنوان عوارض و خدمتنامه و تصدیقاری و غیره) و این درواقع تمام آن قسمت ها را تأمین میکنند دیگر احتیاجی ندارد که اضافه شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجیه بودن پیشنهاد آقای یاسائی. آقایانیکه موافقت فرمایند.

(عدم قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجیه شد.

(پیشنهاد آقای زاهدی بضمون ذیل خوانده شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که پس از کلمه (ارضی و آبی) کلمه (ایلی) هم اضافه شود.

زاهدی - همیشه در مالیاتی که گرفته میشود بعضی رؤسای ایلات و بعضی اشخاص متفرقه هستند که بعنوان مالیات ایلی از اشخاص که مالیات بده است يك مالیاتی بعنوان مالیات ایلی میگیرند از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که این کلمه هم اضافه شود. تا آن مالیات گرفته نشود.

رئیس - آقای عدل (اجازه)

عدل - در آن روزیکه این ماده مطرح شد بنده يك شرح مفصلی راجع باین مطلب عرض کردم و حالا هم باز خاطر آقایان را تذکر میدهم.

در این جا ملاحظه بفرمایند نوشته شده تمام مالیات ها غیر از آنچه که در این قانون مصرح است لغو می شود حالا وقتی که این حرف ها در این جا گفته می شود و مجلس هم رأی نمی دهد یا این که جواب داده نمیشود. آنوقت يك سوسه در کار پیدا میشود از این چه مالیاتی گرفته می شود؟

غیر از مالیات ملک و حیوانی دیگر چه مالیاتی گرفته می شود اینها تمام مالیات هائی که گرفته میشود اسم برد و مخصوصاً يك کلمه و (غیر) و (بهر اسم و رسم) همه برای تأمین این قسمت ها اضافه کرده است.

هر کدام از آقایان نمایندگان در قسمت محلی خودشان مبتنی بیک نوع مالیات هستند که میل دارند اسم آن در اینجا ذکر شود و این هم که ممکن نیست ولی این کلمه بهر اسم و رسم شامل تمام این قسمت ها می شود و کافیست و استدعا می کنم بگذارید باین ماده رأی بکشید و این قانون تمام شود.

زاهدی - توضیح بنده را درست آقا توجه نفرمودند.

رئیس - بایستید صحبت بفرمایند.

باضافه توضیح من می توانم بدهم جز اینکه

بگوئید پس می گویم یا بگوئید رأی می گیریم.

زاهدی - خیر پس نمیگیرم.

رئیس - رأی میگیرم پیشنهاد آقای زاهدی آقایانی که قابل توجیه میدانند قیام فرمایند.

(دوسه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجیه نشد. پیشنهاد آقای نظامی.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۹ در سطر دوم بعد از یادارانه نقدی و جنسی کلمه استرخائی هم نوشته شود. ظاهراً مرض میکنم که غیر از لفظ خانواری و یادارانه که در این قانون هست يك مالیات دیگری هم بعنوان استرخائی در مملکت هست که بنده برای جلوگیری از اخذ آن مالیات این پیشنهاد را تقدیم نمودم.

مخبر - یا آقایان کلاما مطالعه نمی فرمایند یا اینکه حقیقه یک نظری دارند که این قانون را معطل می کنند.

وقتیکه نوشتیم (بهر اسم و رسم) این دیگر شامل تمام اینها می شود و علاوه وقتی که قانون نظام اجباری گذشت اینها و این بکلی در آنجا الغا شد.

نظامی - پس میگیرم.

(پیشنهاد آقای ضیاء بضمون قرائت شد)

پیشنهاد میشود که در ماده ۱۹ بعد از جمله (مالیات های مستقیم ارضی و آبی و حیوانی و سرانه و خانواری و یادارانه نقدی و جنسی) علاوه شود و حق المرتع از مرتع عمومی و غیره و بصره ماده نوزده حذف شود.

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

آقا سید ابراهیم ضیاء - بنده لازم می دانم يك توضیح مختصری در این زمینه عرض کنم. حق المرتعی که ما در نظر داریم گرفته نشود عبارتست از حق المرتعی که دولت بعنوان مالیات می گیرد و الا صاحبان املاك میتوانند اجازه بدهند به نواقل و صاحبان حیوانات که حیواناتشان را در فلان زمین ببرند و مبلغی بدهند و بچرانند.

ایشان ما نمی توانیم مغالطه کنیم ما هم بنده می توانیم بگوئیم که دولت حق المرتع از مرتع عمومی نگیرد. چنانچه در کرمانشاه از آن قبیل هم می گیرند.

پس بنده پیشنهاد کردم که حق المرتع از مرتع عمومی در ماده اضافه شود و آنوقت تبصره بکلی حذف شود.

بعضی از نمایندگان - صحیحست.

مخبر - اگر پیشنهادها طوری نوشته شده بود که آن قسمت مراتعی که مخصوص بغالضه است استثناء می شد کمیسیون می توانست موافقت نماید که حذف شود ولی چون این نظریه را تأمین نمیکنند نمی توان قبول کند.

ضیاء - اجازه می فرمایید يك توضیحی عرض کنم.

دست فیب. عدل. رضوی. هرمزی. مفتی. مودودی. چند امضاء دیگر.

مخبر - بنده این را ببول میکنم.

رئیس - کدام پیشنهاد را آقای مخبر قبول میکنند؟ اولی (و غیره) دارد. دومی ندارد.

مخبر - و غیره هم باشد همان اولی را قبول میکنم.

رئیس - نسبت به تبصره يك پیشنهادی آقای مدرس کرده اند.

مدرس - بنده دیگر آن را لازم نمی دانم.

رئیس - پیشنهاد آقای رضوی و آقای عدل و آقای امیر حسین خان هم دائر بر حذف است.

رضوی - استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای مهدوی هم در همین زمینه است. پیشنهاد آقای یاسائی در تبصره ماده ۱۹ آنهم راجع بحذف تبصره است.

پیشنهاد آقای کازرونی هم همین حال را دارد.

کازرونی - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای نجابت هم همین حال را دارد.

نجابت - بنده هم استرداد میکنم.

رئیس - آقای آقا شیخ جلال الدین تشریف ندارند. مقصود ایشان هم تأمین شده است.

پیشنهاد آقای سهراب زاده.

سهراب زاده - بنده هم دیگر لازم نمی دانم.

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی هم دائر بر خلاف تبصره است. پیشنهاد آقای اخگر.

اخر - دیگر مورد ندارد.

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی هم همین طور است. مقصود آقای افسر هم تأمین شده است.

افسر - اگر ماده باین اصلاح تصویب شد بنده پس میگیرم.

رئیس - عین همان است. پیشنهاد تانرا میخوانند.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم جمله این طور نوشته شود: متصرف است.

رئیس - این عین همان است.

افسر - خیر فرق دارد.

رئیس - پیشنهاد آقای مسعود هم عین همین است.

غلامحسین میرزا مسعود - بله همان است.

رئیس - آقای ثابت پیشنهادش هم همین شده است.

آقا شیخ محمد علی ثابت - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی اضافه کلمه در هر نقطه است خوانده میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیش نهاد می شود در ماده ۱۹ (در هر نقطه) قبل از جمله (مطابق این قانون) درج شود.

شیروانی - قانون را هر کدام از آقایان دارند ملاحظه بفرمایند ملتفت میشوند در قانون نوشته شده:

پس از ممیزی مطابق این قانون در هر نقطه.

اگر جمله اینطور باشد یعنی وقتیکه ممیزی تمام شد آن وقت مالیات ها حذف میشود.

ولی اگر اینطور باشد که پس از ممیزی در هر نقطه مطابق این قانون کلیه مالیات های مستقیم یعنی در هر نقطه ای که مطابق این قانون ممیزی تمام شد مالیات های مستقیم و فلان و فلان لغو میشود و این اصلاح عبارتی است.

مخبر - ضرری ندارد قبول میکنم.

رئیس - پس کلمه (در هر نقطه) قبل از عبارت (مطابق این قانون) واقع میشود.

پیش نهاد آقای اسمعیل خان قشقائی هم همین قشقائی - بله تأمین شد.

رئیس - پیشنهاد آقای شوشتری شوشتری - بنده هم پس گرفت.

رئیس - پیشنهاد آقای امامی واسکندری و کازرونی و دکتر حسین بنان بهرامی هم در همین زمینه است.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب تبصره اضافی است.

(بضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل باین ماده اضافه شود:

تبصره - پس از ممیزی در هر قریه و قصبه مالیات هائیکه بعنوان مالیات صنعتی گرفته میشود هر صنعتی که از میان رفته است مالیات آن صنف ملغی خواهد شد.

آقا سید یعقوب - بنده در این ماده اجازه خواسته بودم ولی مذاکرات کافی شد و نوبت بمن نرسید و در همین زمینه پیشنهادی هم کرده بودم.

آقایان نمایندگان که از اهل جنوب هستند خوب میدانند که تا اول سلطنت ناصرالدین شاه چیت بر وجود در حقیقت نصف رسیه چه بر وجود میبوشیدند و در غالب دهات صیافی بود. رنگ رزی بود که با صیافی بود. جولاری بود و اینها اضافی بودند که مالیات از شان گرفته می شد و چهار پنج قسمت از این اصناف بودند که مالیات معین داشت و در دفتر دولتی مطابق آن می گرفتند یکی از آنها مالیات رنگریزی بود که حالا بکلی از بین رفته.

در ولایت بنده در آن دهی که

مسقط الرأس بنده است يك جمله بزرگ بود که این ها رنگریزی بودند و يك مالیاتی بعنوان رنگریزی میدادند.

ولی حالا این صنف از بین رفته است همین طور يك مالیاتی بعنوان کرباس بافی می دادند ولی حالا دیگر کرباس نمی بافند چرا؟ برای این که البسه وطنی پوشیده نمی شود.

ما هم راجع باین صنف وطنی تعقیب کردیم ولی نمیپوشند.

همینطور یکمده بودند جولای بافی میکردند که حالا بکلی این اصناف از بین رفته اند و هیچ عنوانی ندارند و صنف دیگری هم نیامده است که جای آنها را بگیرد که بنده بگویم این اصنافیکه صیافی داشته اند و از بین رفته اند حالا که صنف دیگری آمده است جای آنها را گرفته این مالیات را بپردازند.

بعلاوه بین قصبه ای که دارای ده هزار نفر جمعیت بوده در آنجا از آوردن بآن ها که این مالیات ها را بگیرند رسیده است به دو دست خانواده و همه بکلی متفرق شده اند.

آقایان و کلاه فارس خوب می دانند در این صورت بنده و جدان آقایان نمایندگان محترم را دعوت می کنم به قضاوت در این مسئله.

ما در مقام تعدیل مالیات هستیم نه در مقام تکثیر و پیدا کردن عوائد مجلس دولت.

ما در مقامی هستیم که باید از این افراط و تفریط ها و تعدیاتی که به عناوین مختلف در مملکت میشود جلوگیری کنیم.

ملاحظه کنید اصنافیکه از میان رفته اند از خاک آنها مالیات میخواهند. پیرار سال آقایان مستحضرنده که میگفتند در اصفهان از استخوان مرده صد ساله مالیات می خواهند.

این است که بنده تقاضا میکنم از مجلس پنجم که میخواهد يك قدمهائی برای راحتی و رفاه حال مردم بردارد یک قدری هم در این مسئله توجه بفرمایند و این اصنافی که بکلی از بین رفته اند و معدوم شده اند دیگر مالیاتی از آن ها مطالبه نکنند و از جانشین آن ها صنف دیگری هست از آنها بگیرند.

آقای حائری زاده رفیق محترم منم خوب میدانند که در بزرگ و اطراف بزرگ نسبت باین اصنافی که بکلی از بین رفته اند چه قدر فشار برای گرفتن این مالیات ها می آورند. اینست که بنده تقاضا کردم نمایندگان محترم يك نظر رؤف و عطوفتی نسبت باین اصناف بفرمایند.

خیلی اصناف دیگر هست که هیچ مالیات ندارند.

دو فروش ها خیلی زیاد شده اند و مالیات ندارند.

ملکیت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد.

رئیس - آقای کاژرونی (اجازه)

کاژرونی - بنده بقیه هم مقصود از اعتبار چیست؟ اعتبار را از کی بگیرند؟ از مجلس بگیرند؟ البته مجلس همه وقت حاضر است اعتبار بدهد لیکن همین که گفتیم هر وقت اعتبار گرفت این کار را خواهد کرد دیگر از اعتبار خارج میشود.

شاید تا دوسال دیگر هم دولت تقاضای اعتبار نکند. اینست که آنوقت شروع باین عمل نمی کند.

البته همین که مجلس شورای ملی اجازه داد وزارت مالیه که شروع بمیزی نماید لازمه اش خرج کردن است.

کاه خرجش را هم تصویب کرده است علاوه بر این مانع ضرری ندارد که الساعه يك ماده بیاورد. مجلس مقدس و تحصیل اعتبار بکنند.

معاون وزارت مالیه - اتفاقاً بنده این چمنه در ماده برای عجله بوده است که دولت برای اجرای این قانون داشته است و بدیهی است بدون داشتن اعتبار نمی توان این کار را بکنند و نظر باینکه مجلس و دولت همه متوجهند در اینکه این قانون زودتر بگذرد و هر چه زودتر هم بموقع اجرا گذاشته شود از این جهت لایحه اعتبار این قانون هم زودتر تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد و هیچ تأخیری هم در انجام این امر نخواهد شد بلکه عجله دولت زیادتر است برای اینکه ابتلا در وزارت مالیه راجع باین مسئله خیلی زیاد است و از این جهت لازم است این قید بشود که هر چه زودتر این قانون بموقع اجرا گذاشته شود.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اعتراض بنده در این ماده همانست که آقای کاژرونی فرمودند این قید پس از تصویب اعتبار بمقیده بنده هیچ ازومی ندارد.

گرچه حالا هم اینجا گفته می شود که لایحه اعتبارش تهیه شده و عنقریب هم تقدیم میشود ولی شاید لایحه را باین زودی تقدیم نکردند و ماند برای دوره ششم و بقیه آقای ضیاء از وزارت مالیه که سؤال میکنند بمذاق شش هفت ماه بازم نمی آیند جواب بدهند. این يك اعتراضی.

اعتراض دیگر بنده راجع است باینکه معین نشده است که وزارت پس از تصویب اعتبار اجرای این قانون در ظرف چه مدت مکلف است شروع بمیزی نماید و پس از دوسال کلیه مالیاتهای املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد.

و کلام که علقه مند هستند زودتر بآن رأی میدهند.

اما آنچه بزی که آقای یاسائی فرمودند طریق بمیزی هم مثل قانونگذاری ما است.

ما خیلی علاقه داشتیم باین قانون ولی پنج سال است در شور دوم این قانون معطل انده ایم برای اینکه معایب و محظوراتی که در کشمکش ها پیدا شده است رفع شود.

دولت هم اوراق اظهارنامه را معین است در روز اول در تمام مملکت منتشر کند ولی يك تحقیقات و رسیدگی هائی باید بشود یعنی پس از آنکه اوراق اظهار نامه منتشر شد اظهاراتی را که مالکین روی آن اوراق نوشته اند میدهند.

بدولت و دولت مقایسه میکند و می بیند اگر این اظهارنامه ها نسبت بمالیات سابق عایدانش را کسر نمی کند که فوراً اجرا میکند یعنی وقتی من تصدیق کنم و دولت ببیند که مالیات فعلی ملک من از ظرفار صدسه مساوی است با مالیاتی که سال پیش میدادم این را دولت بدون تقییش و ممیزی اجرامی کند ولی در تقاطی که عایدات کسری کند دولت مجبور است کمسیون بفرستد و تحقیق و تفحص کند ببیند اظهارنامه موافق با واقع است یا مخالف با واقع است؟

اگر موافق واقع است اجرا کند و اگر نبود اجرا نکند و خود این عمل که دولت تقییش کند و ممیزی کند خودش دو سال طول میکشد و زمانی توانیم بگوئیم بعضی از نقاط که اجرائش سهل است آنها را هم عقب بیندازند که آخر دوسال همه جا مثل هم اجرا شود.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده يك پیشنهاد داده ام جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - چند فقره پیشنهاد از طرف آقایان رسیده است دائر بعضی کلمه اعتبار اجرا (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه اعتبار اجرای از ماده ۲۱ حذف شود. رضوی

رئیس - پیشنهاد آقای کاژرونی و آقای تهرانی هم همینطور است. همچنین پیشنهاد آقای دست غیب و آقای مهدوی پیشنهاد آقای شیروانسی هم عین همین است.

آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده در کمسیون هم مخالفت کردم با این کلمه و در اینجا هم مخالفت میکنم و علش را هم آقای کاژرونی و آقای یاسائی فرمودند دولت ممکن است

پیشهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مهدوی هم در همین زمینه است.

بنده استرداد میکنم.

رئیس - آقای آقامیرزا محمدخان وکیل والا اگر می خواهید توضیح بدهید.

میرزا محمدخان وکیل - اساساً وزارت مالیه در اینجا هم اسباب زحمت برای خودش و هم اسباب سوءظن برای مجلس فراهم آورده.

در اینجا اظهار میکند (بعد از تصویب اعتبار اجرا) اگر چه آقایان توضیحات کامل دادند و لازم نیست که بنده مطالب آقایان را تکرار کنم ولی آنچه که بنده میفهمم و شنیدم (مگر اینکه آقای معاون وزارت مالیه تکذیب کنند).

وزارت مالیه عمداً این لایحه را نیاورده و می خواهد بعد بیاورد برای اینکه يك مالیات دیگری از مجلس برای اجرای این قانون بگذرانند.

میخواهند يك صدی ه از مالیات و یکتومانی دهشاهی از نقد باسم اجرای این قانون لایحه تهیه کرده و در تحت دو ماده بمجلس بیاورند و بنده تصور میکنم مجلس حاضر نشود که يك مالیات دیگری برای اجرای این قانون وضع کند و بنده باینجهت پیشنهاد کردم (در ظرف دوسال) و بدون اعتبار اجراء و آن جمله ها ایشاده تصویب شود و اگر آقای مخبر هم این پیشنهاد بنده را قبول کنند تصور میکنم بهتر باشد.

مخبر - من تصور نمیکند هیچ مأموری را بدون اینکه اسباب اجرا بدست او بدهند امر بدهند که فلان کار را مثلاً اجرا کند.

دولت تا پول نداشته باشد چطور می تواند این قانون را اجرا کند؟

دولت باید اعتبار اجرای این قانون را بیاورد بمجلس و مجلس هم باید رأی بدهد.

اگر از وجود موجود است که این مخارج را میکنند و اگر هم نیست باید محل دیگری برایش پیدا کنیم و قبل از تصویب اعتبار بدیهی است دولت نمی تواند اجراء کند.

بنابراین بعقیده من این پیشنهاد عملی نیست و کمسیون هم آن را قبول نمی کند.

رئیس - رأی می گیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای وکیل آقایانی که موافقت قیام بفرمایند.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حشمتی (اینطور قرائت شد)

پیشهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مهدوی هم در همین زمینه است.

بنده استرداد میکنم.

رئیس - آقای آقامیرزا محمدخان وکیل والا اگر می خواهید توضیح بدهید.

میرزا محمدخان وکیل - اساساً وزارت مالیه در اینجا هم اسباب زحمت برای خودش و هم اسباب سوءظن برای مجلس فراهم آورده.

در اینجا اظهار میکند (بعد از تصویب اعتبار اجرا) اگر چه آقایان توضیحات کامل دادند و لازم نیست که بنده مطالب آقایان را تکرار کنم ولی آنچه که بنده میفهمم و شنیدم (مگر اینکه آقای معاون وزارت مالیه تکذیب کنند).

وزارت مالیه عمداً این لایحه را نیاورده و می خواهد بعد بیاورد برای اینکه يك مالیات دیگری از مجلس برای اجرای این قانون بگذرانند.

میخواهند يك صدی ه از مالیات و یکتومانی دهشاهی از نقد باسم اجرای این قانون لایحه تهیه کرده و در تحت دو ماده بمجلس بیاورند و بنده تصور میکنم مجلس حاضر نشود که يك مالیات دیگری برای اجرای این قانون وضع کند و بنده باینجهت پیشنهاد کردم (در ظرف دوسال) و بدون اعتبار اجراء و آن جمله ها ایشاده تصویب شود و اگر آقای مخبر هم این پیشنهاد بنده را قبول کنند تصور میکنم بهتر باشد.

مخبر - من تصور نمیکند هیچ مأموری را بدون اینکه اسباب اجرا بدست او بدهند امر بدهند که فلان کار را مثلاً اجرا کند.

دولت تا پول نداشته باشد چطور می تواند این قانون را اجرا کند؟

دولت باید اعتبار اجرای این قانون را بیاورد بمجلس و مجلس هم باید رأی بدهد.

اگر از وجود موجود است که این مخارج را میکنند و اگر هم نیست باید محل دیگری برایش پیدا کنیم و قبل از تصویب اعتبار بدیهی است دولت نمی تواند اجراء کند.

بنابراین بعقیده من این پیشنهاد عملی نیست و کمسیون هم آن را قبول نمی کند.

رئیس - رأی می گیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای وکیل آقایانی که موافقت قیام بفرمایند.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حشمتی (اینطور قرائت شد)

بنده ماده ۲۱ را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم.

ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است در ظرف ۲ ماه از تاریخ تصویب این قانون عمل ممیزی را مطابق این قانون شروع و اجراء نموده که پس از ۲ سال کلیه مالیات های املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد.

رئیس - این پیشنهاد اضافه که دارد (در ظرف ۳ ماه است) آقای حشمتی (اجازه)

حشمتی - در جلسه اسبق که قانون ممیزی مطرح بود بنده راجع باین ماده يك پیشنهادی کردم و قابل توجه شد و رفت بکمسیون و این شکل را بخودش گرفته و برگشته است که بیشتر اسباب سوءظن بنده شده است.

در اینجا ملاحظه فرمایید دولت در هیچ قانونی بنده سراغ ندارم که اعتبار اجرای این قانون را در همان قانون نوشته باشند یا يك مالیاتی را برای اجرای آن قانون بر مردم تحمیل نموده باشد این يك تکلیفی است برای دولت که معش را معین کند و لایحه اش را بیاورد اینجا بگذرانند و اگر مقصود این است که وقت مجلس تلف شود (چنانچه پنج سال تلف شده است) و قانون ممیزی عملی نشود که بسی از خوب ما بفهمیم والا باین ترتیبی که نوشته شده است با این کلمه پس از تصویب اعتبار ممکن است دولت تا ده سال دیگر این اعتبار را نیاورد و این قانون هم اجرا نشود.

بنده در تمام قوانین یک چیز هائی می بینم که اگر بنا می شد قانون محاسبات عمومی ماده یازده و دوازده اش در این مملکت اجرا می شد نصف از بدبختی های مردم مرتفع می شد.

حالا بنده کار به آن ها ندارم ولی برای عمل شدن این قانون بنظر بنده اینطور آمده است که پیشنهاد کرده ام که دولت مکلف باشد در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون شروع با اجرا نماید و در ظرف دوسال خانه دهد و آن اعتباری را هم که میخواهد از مجلس بگیرد لایحه اش را زودتر پیشنهاد کند و تصویب شود.

بقیه پیشنهاد بنده هم با ماده موافق است و این اشکالی ندارد و دولت می تواند در وقت و هر ساعتی در این مدت لایحه اش را بیاورد بمجلس و تقاضای تصویب آن را بنماید دیگر بسته بنظر آقایان است.

مخبر - دولت خودش معترف است باینکه تا اعتبار بمن ندهید من نمی توانم این قانون را اجرا کنم و اگر هم تاده سال دیگر اعتبار باور داده نشود قطعاً اجرا خواهد کرد.

بنابر این بهمین ترتیبی که نوشته شده باید موجب اجراء فراموش شود والا دولت اجراء خواهد کرد.

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای حشمتی آقایانی که باین پیشنهاد ایشان موافقت قیام بفرمایند.

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای یاسائی (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۲۱ بیست و يك بنحوی اصلاح شود:

وزارت مالیه مکلف است پس از تصویب این قانون در ظرف دو ماه شروع بمیزی در تمام مملکت بنماید و پس از دو سال کلیه مالیاتهای املاک اربابی و دواب را بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اگر آقایان بنا بر این گذاشته اند از قطع نظر تجزیه که در نظر دارند باین پیشنهاد رأی بدهد ولی بنده ناچارم توضیح بدهم که وزارت مالیه معنا با این قانون موافق نیستند زیرا خیال می کنند که پس از اجرای این قانون مالیات مملکت کمتر میشود و در صورتیکه مطابق عقیده يك عده زیادتر خواهد شد چون مأمورین وزارت مالیه که توضیحات بآقایان میدهند می گویند اگر این قانون اجرا شود مالیات کم میشود و در صورتیکه ما هم اطلاعاتمان کمتر از مأمورین مالیه نیست و هر کس از محل خودش اطلاع دارد و میداند که اگر مالیات مطابق این قانون گرفته شود حتماً دو برابر خواهد شد.

برای اینکه مالیات از کل عایدات گرفته میشود علاوه از صیغی از شوی از باغات تمام این ها مالیات گرفته میشود و اگر تمام این ها را در نظر بگیرند قطعاً مالیات دو برابر میشود ولی چون تصور میکنند مالیات کم میشود میخواهند اجرای این قانون را موکول کنند بمصوب اعتبار که اعتبار را فردا بیاورند بمجلس و همان طوریکه آقای وکیل فرمودند باسم مالیات اجرا یکپرواری پنجم و يك تومانی ده شاه میگیرند و مجلس هم رأی میگویند چون مجلس رأی نداده اعتبار ما هم اجرا نمی کنیم.

این هم يك طرفه ایست برای اجرای این قانون و بالاخره ما ناگزیر هستیم که بعد از یکی دو ماه در این مملکت اجرا شود و این مالیات های ظالمانه که سی و چهل سال است به همین ترتیب غیر عادلانه از مردم گرفته می شود تعدیل شود.

و وقتی هم اجرا شد البته اگر مالیات دولت کسر آمد باز باید پیش نهاد کنند بمجلس و يك عده را دوشیزا بیاورد و هیچ مانعی هم ندارد.

معاون وزارت مالیه - این که اظهار میشود وزارت مالیه موافق نیست با اجرای این قانون برای این که مالیات کسر میشود اگر بایستی از طرف وزارت مالیه يك کسی در اینخصوص جوابی بدهد و آن شخص بنده هستم که بنده عرض می کنم در وزارت مالیه در اینخصوص بنده چیزی ننشیده ام و اطلاعی ندارم و هیچ وجه در وزارت مالیه چنین چیزی گفته نشده و اتفاقاً این طرز وصول مالیات را خود بنده پیش نهاد کردم.

خاطر معترم آقایان هست که لایحه اولیه عشریه بود و این طرز اخذ مالیات از کل محصول فکر خود بنده بود منتی این است دولت يك مقداری ابتداء در نظر گرفته بود بمجلس و چون صلاح دانست که از آن مقدار کمتر بشود و باندازه ای شد که الان می بینید و این هم هیچ اسباب اندیشه نیست زیرا وزارت مالیه نمیکند بیش از آنچه که در این صورت هست و مجلس تصویب می نماید چیزی در بابت آن.

اگر فرضاً پس از اجرای این قانون احساس کنند که این مالیات کفاف نمی دهد یا معادل نمی شود با آن مالیاتیکه سابقاً دریافت میکردند است البته به نسبتی که نقصان پیدا کرده است با دلایلی بمجلس عرضه میدارد و لایحه تقدیم میکند و مجلس هم آنوقت آن اضافه را که وزارت مالیه پیشنهاد کرده تصویب خواهد کرد (و امیدوارم چنان چیزی هم پیش نیاید).

پس بنابر این نسبت با اجرای این قانون از طرف وزارت مالیه نه تنها سوء نظری نیست بلکه بانهایت جدیت منتظر است که این قانون از تصویب مجلس بگذرد و به فوریت شروع کند با اجرا زیرا اگر از داخل و نزدیک اداره توجهی بشود يك مقداری از کارهائی که مربوط می شود به این قانون ممیزی ما خورده خورده روی هم گذاشته ایم که این قانون زودتر از تصویب مجلس بگذرد.

پس بنابر این انتظار وزارت مالیه در تصویب این قانون خیلی باید زیاد باشد و بعقیده بنده به مجردیکه این قانون گذشت دستور اجرای این قانون در تمام نقاط داده خواهد شد.

منتهی چنانکه مذاکره شد و توضیحاتی هم داده شد بدیهی است مادام که اعتباری برای اجرای این امر و مخارج این کار لازم است درست نباشد واضح است نمیتوانیم اینکار را اجرا کنیم.

باین جهت است که مخصوصاً با این

را بنده برای تذکر عرض می کنم نظر باینکه دولت میخواهد زودتر قانون را به موقع اجرا بگذارد میبخواهد در قانون اطمینان پیدا کرده باشد که اعتبار از طرف مجلس تصویب میشود و اتفاقاً معکوس آنچه که در خاطر بعضی از آقایان است نظر وزارت مالیه به تسریع امر است

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟
مخبر - کمیسیون قبول نمیکند
رئیس - رأی گرفته میشود پیش نهاد آقای یاسائی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شوشتری

(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده اصلاح ماده ۲۱ بیست و یک را

باین ترتیب پیشنهاد میکنم

ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است از

اول فروردین ۱۳۰۵ شروع بمیزی نموده

واخذ مالیات از املاک ممیزی شده بر طبق

این قانون نمایند.

و نیز مکلف است تا مدت دو سال در تمام

مملکت ممیزی را خاتمه دهد

شوشتری - گرچه آقایان از همان نظری

که آقای یاسائی فرمودند چون تجزیه را در

نظر دارند شاید باین قسمت هم رای

ندهند.

بنده می بینم این توفیق بمجهول است

باین يوم اجلت؟ برای چه روز می آورند؟

آن روزی که تصویب اعتبار مخارج ممیزی

میشود چه روزی است اعتبار چقدر است این

توفیق بمجهول است

بعقیده بنده بعد از این زحمت ها که کشیده

شده بایستی وزارت مالیه از اول فروردین

۱۳۰۵ این قانون را بموقع اجرا بگذارد

و در تمام املاک هم پس از ممیزی بر طبق

این قانون مالیات اخذ کند و تا دو سال هم

مکلف است که این قانون را در تمام مملکت

عملی کند و ممیزی را خاتمه بدهد

رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مخبر - قبول میشود

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه

بودن پیشنهاد آقای شوشتری آقایانی که

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد تقاضای

تجزیه شده است رای گرفته میشود بماده

۲۱ - اولاً بدون کذب اعتبار اجرا آقایانی

که موافقت قیام فرمایند

(غالب نمایند کان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ثانیاً رای

گرفته میشود بماده ۲۱ با بودن جمله

اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام

فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد جمله اعتبار اجرا حذف شد. ماده الحاقیه (بمضمون ذیل قرائت شد) مقصود از عایدات ماده اول ثلث عایدات بدون آفت ۳ ساله اخیر ملک است. رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عقیده ام اینست که این ماده مستلزم يك افراط و يك تفریطی است که در نتیجه اولاً مالیات بکنواخت نخواهد شد و ثانیاً از یکطرف ممکن است يك ضرر هائی متوجه مردم بشود و از طرف دیگر نسبت بعضی از املاک باز يك ضرر هائی متوجه بعضی دیگر شود. چرا؟

میگوئید ۳ سال اخیر - ۳ سال اخیر بعضی املاک ممکن است زراعتش بد شده باشد و بعضی املاک ممکن است خوب شده باشد.

۳ سال اخیر را مابدون اینکه تکلیف کنم میخواهیم مدرک قرار دهیم.

بنده می بینم این عادلانه نیست و قهراً افراط و تفریط است و این قانون يك قانون غیر عادلانه خواهد شد که از یکطرف برای مردم و از یکطرف برای دولت ضرر دارد و قابل جبران هم نیست.

بنده خاطر دارم قانون وقتیکه اول بمجلس آمده بود اینطور تصویب کرده بودند که سه سال عالی و دانی و متوسط در ظرف هرسال بعد از تصویب این قانون. . . .

عدل - بعد از تصویب قانون؟

کازرونی - بلی. حالاً در ظرف ده سال را زیاد می دانید پنج سال شش سال بگوئید جنابعالی که زحمت کشیده اید و در آنجا این قانون را نوشته اید اگر این نکات را منظور می داشتید این اندازه اشکال پیدا نمید که خود شما هم با مخالفین موافقت کنید چرا؟

برای اینکه این قانون طبیعی بمجلس نیامده حالا ده سال زیاد است پنج سال یا شش سال باشد این مدتی را هم که بنده عرض کردم پنج سال یا شش سال یا بیشتر یا کمتر برای اینست که سنواتی هست که چمن را آفت میزد آن سنوات را مستثنی کنند.

آنوقت حتماً این سنوات یکسال های مادی دارد از آن سالها یکسال عالی و یکسال دانی و یکسال متوسط را در می هم بگذارید و مالیات يك ثلثش را بپردازید.

آنوقت ده سال را هم که از اینطرف یا از آنطرف نوشته ایم آفت زدگی را هم که در قانون ذکر کرده ایم. که تخفیف داده شود آنوقت این قانون عادلانه می شود و الا بنظر بنده عادلانه نیست.

بنده واقفانتم باینست که کمیسیون محترم این نکات را که خیلی خیلی روشن و پیش پا افتاده است چه طور نمیداند؟

دقت بفرمائید بعضی املاک در این ۳ سال اخیر عموماً زراعتشان بد شده است. نه اینکه آفت زده باشد خیر.

آفت زده است ولی بد شده است و يك قسمتهائی در این ۳ سال اخیر خوب بوده آنوقت ظلم بکسی شده که زراعتش خوب شده و باید جریمه بدهد که اتفاقاً ۷ سال پیش بد نبوده و ۳ سال اخیر خوب بوده و يك تخفیفات خیلی زیادی باید بکسی داده شود که ۳ سال اخیرش بد بوده و باقیش خوب شده.

در هر صورت این قانون بعقیده من طبیعی نیست.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است و بعلاوه عده هم برای رأی گرفتن کافی نیست بعضی پیشنهاد هائی هم شده است راجع بدستور و اضافه يك جلسه بر عده جلسات ولی چون عده کافی نیست میماند برای جلسه بعد.

جلسه آتی یکشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر. دستور هم بقیه قانون ممیزی (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی مشهاب
منشی - علی خطیبی
جلسه ۲۳۵

صورت مشروح مجلس
پنجشنبه هفدهم دیماه
۱۳۰۴ مطابق ۲۲ جمادی الثانی
۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر - ریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس پنجشنبه دهم دیماه را آقای کی استوان قرائت نمودند رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای میرزائی (اجازه)

میرزائی - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بعد از صورت مجلس يك صحبتی دارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)